

بعضی از مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره شانزدهم

شماره ۲- به نقل از مذاکرات مجلس. جلسه ۱۴۳

روز یکشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۰

توضیح: این مدارک عیناً از کتاب انتشارات مصدق ۵ از نسخه قدیمی که دارای حروفی ریز و چاپی کمرنگ است رونویسی (تایپ) می شود. (چنانچه از سیستم عکسبرداری از صفحه ها استفاده شود خواندن آن ها برای شما سخت و خسته کند خواهد بود.)

« ۴- طرح و تصویب برنامه دولت و ابراز رأی اعتماد به دولت آقای دکتر مصدق »

رئیس - وارد دستور میشویم. برنامه دولت مطرح است. آقای نخست وزیر فرمایشی دارید بفرمائید. نخست وزیر - اشخاصی که بعنوان مخالف اسم نویسی کرده اند آقای شوشتری و آقای امامی اهری هستند و یک عده دیگر که ۲۱ نفر میشوند. آقای آشتیانی زاده. آقای حادقی. صدرزاده. کشاورز صدر. محمدعلی مسعودی. دکتر معظمی. مخبر فرهمند. دکتر طاهری. نبوی. اردلان. نورالدین امامی. فرهودی. معدل. کهبد. گرگانی. دکتر جلالی. دکتر مصباح زاده. فقیه زاده. سالار بهزادی. اسلامی. موقر. گودرزی. اینها همه به موافقت با دولت اسم نویسی کرده اند (جمعی از نمایندگان همه موافقتند. اسم نوشته اند ولی همه موافقتند) بنده میخواستم عرض کنم که یک هیأتی وقتی که یک رویه ای را گرفت و یک مدتی ادامه داد و از آن رویه استفاده ای نکرد باید آن رویه را ترک کند و یک رویه دیگری را اختیار کند. شاید در این رویه ثانوی بتواند کار مفیدی بکند (صحیح است) تاکنون معمول مجلس شورایی این بوده که در برنامه دولت عده زیادی اسم نویسی بکنند و چندین جلسه وقت مجلس شورای ملی را در واقع اشغال کنند و بعد از مدت مدیدی هم دولت استعفا بدهد و برود و مذاکراتی که راجع به برنامه میشود بهیچوجه منتج به نتیجه ای نشود. این رویه گذشته ماست. آیا بهتر نیست که ما این رویه را ترک بکنیم و یک رویه دیگری را بگیریم؟ و آن به نظر بنده این است که بنده وقتی نوکر این مردم هستم شما هم از این مردم هستید نوکر شما هم هستیم. بنابراین من کاری نمیکنم که شما با من مخالفت بکنید یا آنکه از اوامر شما خودداری نمیکنم که شما در این اظهار موافقت بکنید و یک تذکراتی بدهید (صحیح است) عرض میکنم که ما وزرا در نخست وزیری در وزارتخانه ها برای هرساعت حاضر هستیم بجای اینکه آقایان این تذکراتی که در اینجا میفرمایند تشریف بیاورند آنجا بفرمایند چون مذاکراتی که در جلسه میشود یک قسمت مربوط به عملیات گذشته است که دولت های قبل کرده اند و یک کارهایی کرده اند که موافق نظریات آقایان نبوده. خود بنده این کارها را اگر بقدر آقایان ندانم از آقایان هم کمتر اطلاع ندارم (صحیح است) و میدانم که خوب نبوده و پیرامون آن کارها نمیروم و راجع به آینده هم اگر بخواهید تذکراتی بدهید در این جلسه بنده این تذکرات جلسات مجلس شورای ملی را بهیچوجه عملی نمیدانم بنده از آقایان استدعا می کنم که تشریف بیاورید نخست وزیری این تذکراتی که اینجا میخواهید بدهید همانجا بنشینید و عملی کنید (احسن است) اگر شما این کار را کردید میتوانی رفع بدبختی این مملکت را بکنید (صحیح است) و اگر اینکار را نکردید و امید تمام وقت خود را به حرف گذراندید خدا شاهد است که شما نمیتوانید باین مملکت کوچکترین خدمتی بکنید (صحیح است). من رفتم زندان، در این زندان مرکزی ۴۰۰-۵۰۰ نفر در آنجا هستند که شاید اگر آنها محکوم میشدند اینقدر در آنجا نمیماندند (در این موقع حال تأثیری به آقای نخست وزیر دست داد) الان اینها آنجا در یک وضعیت بدی هستند که شما حقیقتاً باید خجالت بکشید در این مملکت که یک چنین وضعی در زندان شما حکمفرماست. شما بیائید یک کار عملی بکنید. بیائید یک وضعیتی درست بکنید برای این مملکت که اوضاع مردم بهتر بشود. شما تشریف ببرید این دارالمجانین را ببینید که اگر شما اینها را دم شصت تیر بگذارد بهتر است که در این دارالمجانین باشند. بیائید یک کاری بکنید. از این حرف ها بگذرید بیائید به نخست وزیری پیشنهاد بدهید. با ما کمک کنید. بیائید بروید این بدبختی ها را رفع بکنید. والله خدا شاهد است که شایسته این مملکت نیست که مردم در این وضعیت باشند و شما بیائید همه اش به حرف وقت را بگذرانید. هیچ شایسته نیست. ما در این برنامه خودمان دو ماده داریم یکی مسئله نفت است و یکی مسئله انتخابات است. ما چیزی ننوشته ایم که شما در اینجا در واقع اظهار نظر بکنید و وقت مجلس شورای ملی گرفته شود. ما دو مسئله حیاتی پیشنهاد کردیم که گمان می کنم با این دو مسئله حیاتی هیچ کس مخالف نیست همه موافقت بنابراین من استدعا می کنم اگر موافقت دیگر صحبت برای گی؟ به خرج کی میخواهید بدهید. همین الان بفرمائید برویم یک کارهای اساسی باهم بکنیم چرا وقت خودتان را اینجا صرف می کنید ما که واقعا برای خدمت به شما از صمیم قلب حاضر شدیم و میخواهیم تا پای جان بایستیم. از حرف چه فایده اگر شما میخواهید یک کارهایی بکنید که پهلوی موکلینتان روسفید بشوید البته در عمل باید بکنید نه حرف. ما وقتیکه با رأی شما مخالفت نداریم. وقتیکه میگوئیم مجلس شورای ملی باید با دولت همکاری بکند دیگر مخالف و موافقی درکار نیست (صحیح است) همه یک عده اینجا هستند که برای خدمت به این مملکت حاضر شده اند. ما اگر قانون انتخابات را پیشنهاد کردیم و گفتیم که مجلس شورای ملی باید در این کار شرکت بکند برای این بوده است که کاری با تصویب مجلس شورای ملی تمام بشود. مگر بنده نمیدانم علت اینکه آن پیشنهاد در این مجلس گذشت چه بود؟ در اوایل همین دوره آقای منصور حسب الامر ملوکانه آمدند به منزل من گفتند شما پیشنهاد قانون انتخاباتان را بدهید بنده پیشنهاد قانون خودم را دادم و آن این بود که بلوکات یعنی حوزه بلوکات از حوزه شهرها تفکیک بشود یعنی در شهرها اشخاص باسواد، در بلوکات اشخاص بی سواد و با سواد رأی بدهند و بی سواد شهرهم در حومه رأی بدهد که آنها هم از حق رأی محروم نشوند. این نظریاتی بود که بنده دادم به آقای منصور بعد این لایحه را برای اینکه از مجلس بگذرد تعبیر دادند، آن که من نوشته بودم عملی بود، البته آن نمایندگان که حقیقتاً

مطمئن نیستند که از رأی با سوادها استفاده کنند و وارد مجلس شوند هرگز به لایحه با سوادها رأی نمیدهند بنابراین آن لایحه ای که من نوشته بودم و عملی بود در وزارت کشور بردند و غیر عملی کردند در آن نوشتند که باید تمام رأی دهندگان باسواد باشند آقایان اگر این لایحه میگذشت علت اینکه الان 11 ماه است از کمیسیون کشور بیرون نیامده چیست؟. آخر اگر شما میگوئید که اشخاص با سواد رأی بدهند این لایحه را وقتی آوردند به مجلس باید به فوریت آن رأی بدهند چرا یازده ماه معوق مانده است. من استدعا میکنم آن چیزی که عملی هست بکنید. ما و شما که یک نظریات غیر عملی نمیخواهیم داشته باشیم. ما میخواهیم یک کاری بکنیم. من عقیده ام این است که اگر در این مجلس 70 نفر نماینده انتخاب شده از طرف باسوادها وارد بشود. جناب آقای مسعودی، به از این است که این لایحه تا آخر دوره در اینجا بماند و منتج به تصویب نشود. خواهش مندم از آن چیزهایی که عملی نیست جنابعالی هم صرف نظر بفرمائید که یک کار عملی بکنیم. بنده استدعا می کنم آقایان وقت خودشان را برای برنامه خیلی مشغول نکنند، خیلی زحمت به خودشان ندهند. من عرض میکنم چه تذکراتی میخواهید به دولت بدهید. ما حاضریم که از این ساعت با شما برویم در هیئت وزیران آنچه را که شما نظر دارید در آنجا همان ساعت عملی بکنیم و اگر عملی نمیشود با شما عرض میکنم که عملی نمیشود. از این جهت بنده نمیخواهم عرض کنم رأی بدهید یا ندهید. تکلیف دولت و برنامه را امروز معین بفرمائید (صحیح است) و یک لایحه ای هم ما پیشنهاد کردیم برای این زندانیان سیاسی. این از راه خیرات و میراث از راه خیر نوع بشر این لایحه را تصویب بکنید که ما اینها را از این زندان بیرون بیاوریم. نمیدانید اینها چه حالی در آن زندان دارند والله خدا شاهد است اگر میرفتید می دیدید که چه حالی در آنجا دارند، چه جور زندگی میکنند هرگز راضی نمی شدید که یک دقیقه هم در آنجا بمانند. این لایحه را استدعا میکنم امروز بگذرانید چون ما حق نداریم به قید سه فوریت پیشنهاد کنیم آقایان این لایحه را بعنوان طرح قانونی امضاء بفرمایند که زودتر امروز از مجلس بگذرد. عرض دیگر بنده این است که این کار نفت آقا هر قدر که تأخیر شود برای مملکت ضرر است (صحیح است) بنده به کرات عرض کردم که روزی سیصد هزار لیره حد اقل به ملت ایران ضرر میخورد و این پول امروز در دست کمپانی است و ما چقدر وضع مالیه مان معطل است (صحیح است) پس شما هر قدر نمایندگان خودتان را آن پنج نفر را زودتر معین بفرمائید این به صلاح مملکت است (صحیح است) استدعا میکنم 5 نفر از اشخاصی که مورد توجه جامعه باشند، از اشخاصی که مورد توجه خودتان باشند هر چه زودتر آن را همین امروز تعیین بفرمائید که ما در کار شرکت تأخیر نکنیم و زودتر تکلیف مملکت را معلوم کنیم (صحیح است احسنت).

رئیس - آقای نخست وزیر اگر مطلبی دارید بفرمائید و آلا رأی بگیریم.

نخست وزیر - خیر عرضی ندارم.

رئیس - رأی اعتماد به دولت گرفته میشود. آقایان موافقین و رقه سفید میدهند.

رئیس - . . . از 102 نفر عده حاضر با 99 رأی موافق بدولت آقای مصدق رأی اعتماد داده شد.

رئیس - آقای نخست وزیر فرمایشی دارید؟ بفرمائید.

نخست وزیر - از اعتمادیکه آقایان نمایندگان با دولت فرمودند بسیار متشکرم و امیدوارم که بتوانم این رأی را در راه حقیقی و صحیح خودش عمل کنیم و همت کنیم انشاءالله عملیات دولت روی مصالح مملکت و نظریات شما باشد.

نمایندگان - انشاءالله.